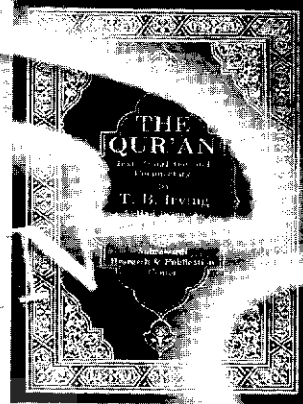


آیا یک ترجمه نهایی از قرآن وجود دارد؟



دکتر ای. نعمت الله*
ترجمه: زهرا آقا محمد شیرازی

فراوانی ترجمه های قرآن به زبان انگلیسی قابل توجه است. معمولاً، ترجمه نمی تواند همه مفاهیم یک اثر بزرگ را انتقال دهد.

هر کتاب ارزشمندی باید در هر قرن یک بار ترجمه شود تا مناسب استانداردها و سلیقه نسل جدید باشد زیرا هر نسلی با نسل قبل اساساً تفاوت دارد.

این مطلب توسط آندره لفویر بیان شده است: *زبان علم انسانی*
نسل های مختلف نیازمند ترجمه های متفاوت هستند.

به هر حال این نظرات، سیل ترجمه های انگلیسی قرآن در قرن بیستم را شرح نمی دهد. مری اسنل - هر نی بر نقش پویای متن و مترجم چنین تأکید می کند:

به علاوه متن نمونه ای ایستا از زبان نیست^۱، بلکه اساساً شرحی از نیت نویسنده است که به زبان می آورد و مترجم به عنوان خواننده آن را درک می کند و برای قرائت در فرهنگ دیگر دوباره خلق می کند و این پروسه پویا توضیح می دهد که چرا ترجمه های جدید آثار ادبی همیشه مطلوب است و چرا ترجمه کامل وجود ندارد.

جالب است که اهل سنت و شیعیان، سلفی‌ها، برلوی‌ها، احمدی لاهوری‌ها و احمدی قادیانی‌ها، کشیش‌های مسیحی و مستشرقان غربی با یکدیگر برای ترجمه قرآن به زبان انگلیسی رقابت کرده‌اند. اف. وی. گرین هجن در یک تحلیل تاریخی جامع و مختصر از ترجمه‌های انگلیسی قرآن، می‌گوید:

بنابر این در طول قرن بیستم ترجمه‌های قرآن به انگلیسی مکان‌نمازات قدرت نه تنها بین دین اسلام و غرب، بلکه بین گروه‌های ارتدکس درون اسلام و انشعابات مرتد شد.

تحقیقی در زمینه فهرست کتب از دکتر ام. اچ. خان، چهل و یک ترجمه انگلیسی قرآن را که سی و یک مورد آن کامل است لیست می‌کند. فهرست کتب حاشیه نویسی شده دکتر. ای. آر. کیدوی شامل ۳۵ ترجمه کامل قرآن است. عمدتاً، سهم شبه قاره هند بیست و شش ترجمه به نقل (از ام. اچ. خان) سهم چشمگیری است. ۲ از آن زمان به بعد چند ترجمه به آن اضافه شده است. علیرغم کثرت ترجمه‌های قرآن، هیچ ترجمه‌ای مقبولیت جهانی نیافته است. به نظر کیدوی:

کتاب مقدس مسلمانان باید طرز بیانی صحیح و با شکوه در زبان انگلیسی داشته باشد تا مناسب عظمت و شأن نسخه اصلی باشد.

مرور ترجمه‌های خاص، گردآوری اشتباهات ترجمه و مقالاتی در زمینه جنبه‌های کلی ترجمه قرآن بخش اصلی انتقادات موجود در زمینه ترجمه قرآن را تشکیل می‌دهد: (برای مثال ال. تیپایی ۱۹۶۲؛ داد ربرتی. بی اروینگ ۱۹۷۹؛ ای. آر. کیدوی ۱۹۸۸، ۱۹۸۵؛ موریس بیوکیل ۱۹۸۶؛ محمد شیخانی ۱۹۸۸؛ مشیر الحق ۱۹۸۹). غیر از مقالات انتقادی که در روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها مشاهده می‌شود. (برای مثال حافظ ۱۹۳۰؛ میرزام. دبلیو. ۱۹۳۲؛ اس‌ای. دبلیو. باکهری ۱۹۷۹؛ ارفک ملک ۱۹۸۰؛ میر نجبت علی ۱۹۸۰، ای. آر. کیدوی ۱۹۸۵، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، مهندس اصغر علی ۱۹۹۸، عبدالله عباس ندوی ۱۹۸۱، کاشوانت سین ۱۹۸۷، ۱۹۹۰، ۱۹۹۳ و غیره...) اکثر مترجمان مروری سریع بر ترجمه‌های قبل دارند (برای مثال حافظ غلام سرور ۱۹۸۰، ۷-۸، یوسف علی ۱۹۸۳: ۱۱-۱۲، آبری ۱۹۸۱: ۷-۲۴). بیشتر این مرورها به دلیل کمبود وقت و هدف محدود، ناقص یا از روی عجله و یا دیباچه‌ای هستند.

هرگونه تحلیل انتقادی نافذ و مداوم خارج از میدان دید آنهاست. به علاوه، نظرات و نتایج اکثراً احساسی و شخصی است. انسان گاهی با مدح گرمی مانند مدح مریم جمیله (۵: ۱۹۸۲) روبرو می شود: «فصاحت، عظمت و شکوه زبان (پکیتال) از هر ترجمه دیگری برتر است.»، و گاهی نیز یا کلمات کاملاً دلسردکننده ای مانند: «ما ممکن است به نحو قابل توجیهی ترجمه او (پامر) را بی دقت و لا قید تلقی کنیم.» (یوسف علی [۱۹۳۴] ۱۳: ۱۹۸۳) مواجه می شود که برای اثبات آن مدرک مستند و کافی نیز ارائه نشده است.

ای. آر. نیکل (۱۹۳۶) چند اشتباه پامر را مطرح می کند، در حالی که ای. آر. کیدوی (۱۹۸۸) اشتباهات آربری را بیان می کند. بحثی راجع به اشتباهات یوسف علی توسط مجلس العلماء آفریقای جنوبی بیشتر انتقادی از «کاستی های جدی در تفسیر یوسف علی» است تا اشتباهات چنین ترجمه ای. اگر قالب انتقادی برای تحلیل اشتباهات وجود نداشته باشد، این نوع انتقاد رو به انحطاط می رود و به شکار خطا و اشتباه یابی صرفاً در زمینه های دلخواه و بی دوام می پردازد. برای مثال ای. آر. کیدوی (۱۴: ۱۹۹۲) اشاره می کند که مترادف های غلط کیو. عرفات که یوسف علی در ترجمه قرآنش به کار برده است. «در زمینه اشتباه یابی است» و این که «از ۴۰۰ مترادف غلط ذکر شده تقریباً حتی یک مورد هم با ارزش نیست.» هم چنین ای. آر. کیدوی اشاره می کند:

با بررسی دقیق تر می توان پی برد که تعداد و نوع اشتباهاتی را که اقبال حسین لاهوری در ترجمه پیکتال یافته است اهمیت چندانی ندارد و از ۲۴۸ اشتباه ذکر شده تعداد کمی قابل توجه هستند.

مقایسه انتقادی بسیم مافین بدرز از ۶ ترجمه انگلیسی، قدمی در جهت صحیح است، گرچه این کار روی یک سوره کوچک قرآن انجام شده است. بنابراین واضح است که کارهایی که روی ترجمه های قرآن شده است به عموم خوانندگان که باید در میان پیچ و خم ترجمه ها به دنبال ترجمه مناسب باشند کمک چندانی نمی کند. تاکنون هیچ تحقیق تطبیقی ترجمه بر اساس یک تئوری استاندارد انجام نشده است. چنانچه ای. آر. کیدوی درست به حق بیان کرده است:

گرچه تعداد زیادی اثر در زمینه ابعاد گوناگون قرآن وجود دارد، اما تاکنون هیچ

کار قابل توجهی در زمینه نقد و بررسی دقیق ترجمه‌های انگلیسی موجود قرآن انجام نشده است.

نظر به این که امکان ندارد تمامی ترجمه‌های انگلیسی را در یک کار تحقیقی جامع قرار دهیم، بسیاری از ترجمه‌ها ممکن است بر اساس معیارهای زیر مستثنی شوند:

۱. تمامی ترجمه‌های ناتمام، برای مثال محمد عبدالرحمان (۱۹۲۶)، دکتر اس. ان. ای. جعفری (۱۹۳۵).

۲. تمامی گزینش‌های قرآن، برای مثال استنلی لین-پول (۱۹۹۷)، تامس کلبری (۱۹۹۳) و....

۳. تمامی ترجمه‌هایی که مستقیماً از روی متن اصلی عربی انجام نشده است یعنی ترجمه‌ ترجمه‌ها، برای مثال الکساندر راس (۱۹۴۹)، محمد مرادپوری (۱۹۸۰) و....

۴. همهٔ تجدید نظرهایی که توسط کسی جز مترجم انجام شده است، برای مثال ام. وای. زید.

۵. ترجمهٔ تفسیرها، برای مثال تقی الدین الهاللی و محمد حسن خان (۱۹۷۸) که یک نسخهٔ خلاصه شده از ابن کثیر است که توسط طبری تکمیل شده است.

۶. آثاری که عمدتاً تفسیر محسوب می‌شود و ترجمهٔ آن صرفاً اتفاقی است، برای مثال عبدالمجید دری آبادی.

۷. ترجمه‌هایی که صرفاً مبنی بر مصلحت تاریخی است، برای مثال ترجمهٔ عبدالحکیم خان (۱۹۰۵) میرزا عبدالفضل (۱۹۱۵) و....

۸. ترجمه‌هایی که گمان می‌شود عمدتاً از ترجمه‌های دیگر گرفته شده و فاقد ابتکار است، برای مثال ام. اچ. شاکر (۱۹۸۲)، زیدنز (۱۹۹۱)

معیارهای اول و دوم، موقعیت مشابه دارند؛ معیارهای سوم تا پنجم بر مسئولیت فردی مترجم با حذف هر دست یا زبان واسطه تأکید می‌کند، معیار ششم ما را مطمئن می‌کند که ترجمهٔ متن حتی بدون مکمل تفسیر هدف اصلی است. معیار هفتم کمک به حذف ترجمه‌های بی نتیجه می‌کند؛ معیار هشتم برای جلوگیری از نسخه برداری از مطلب است.

ای. آر. کیدوی اظهار نظرمی کند که:

ترجمهٔ ام. اچ. شاکر، یک مثال دزدی ادبی پرسر و صدا است زیرا حدود

۹۰ درصد این ترجمه انگلیسی از ترجمه انگلیسی قرآن محمد علی لاهوری به طور تحت اللفظی رونویسی شده است .

همان گونه که به عقیده ای . آر . کیدوی در ترجمه زیدنز اقتباس فراوان دیده می شود که از ترجمه قرآن عبدالله یوسف علی گرفته شده است .

بعد از استفاده از معیارهای بالا ، تعداد ترجمه هایی که می توان روی آنها کار کرد هنوز زیاد است . بنابراین برخی ترجمه های دیگر که بعید است در حد قابل توجهی در بحث مفصل موضوع سهم داشته باشد را نیز می توان حذف کرد . سیزده ترجمه زیر به هر حال می تواند به عنوان اساس چنین بحث مفصلی قرار گیرد .

سال انتشار

نام مترجم

۱۷۳۴

۱ . جرج سیل

۱۹۸۱

۲ . رو . ام . جی . رادول

۱۸۸۰

۳ . اس . اچ . پامر

۱۹۱۷

۴ . مولانا محمد علی

۱۹۳۰

۵ . محمد ام پیکتال

۱۹۳۴-۳۷

۶ . عبدالله یوسف علی

۱۹۳۷

۷ . ریچارد بل

۱۹۵۵

۸ . آرتوجی . آریری

۱۹۵۶

۹ . ان . جی . داود

۱۹۸۰

۱۰ . محمد اسد

۱۹۸۴

۱۱ . احمد علی

۱۹۶۵

۱۲ . تامس بی اروینگ

۱۹۸۶

۱۳ . ام . ام . خطیب

درست است که عامل بالقوه برای تولید ترجمه عملاً نامحدود است ، با این حال ، قید و شرط هایی وجود دارد که انواع اساسی ترجمه را محدود می کند . چنانچه آندره لفویر تذکر می دهد :

نهایتاً اگر کسی با نسخه اصلی یک هنر ادبی روبرو شود ، به دلیل ماهیت قراردادهای ادبی و زبانی ، صرفاً می تواند آن را به چند طریق محدود ترجمه کند .

بنابر این می‌توان انتظار داشت که ترجمه‌های منتخب نمونه‌ای از سبک‌های مختلف در زمینه ترجمه قرآن باشد.

آیا مطالعه باید از زاویه منحصرآدبی یا صرفاً زبانی و یا هر دو انجام شود؟ چنانچه رومن جکسون می‌گوید:

زبان‌شناسی که مقصود شاعرانه زبان را درک نمی‌کند و ادیبی که نسبت به مشکلات زبان‌شناسی بی‌تفاوت است و یا از روش‌های زبان‌شناسی آگاه نیست هر دو به یک اندازه به روز نیستند.

نیدا از نظریه‌درستی که می‌گوید ترجمه، هم هنر و هم علم است حمایت می‌کند: گرچه هیچ‌کس عناصر هنری را در ترجمه خوب رد نمی‌کند، زبان‌شناسان و واژه‌شناسان به طور روز افزون این آگاهی را یافته‌اند که جریان ترجمه تمایل به توصیف دقیق دارد.

پس یک مطالعه جامع باید شامل جنبه‌های زبان‌شناختی و ادبی ترجمه باشد. وقتی متن منبع (یعنی قرآن) یکی و همانند است، نباید تفاوت زیاد بین یک ترجمه خاص و نسخه اصلی و یا بین ترجمه‌های مختلف باشد بجز تغییرات جزئی که اهمیت چندانی ندارد. با وجود این دیده می‌شود که تفاوت‌های مهم و مؤثری وجود دارد که جز با دانستن نقش مترجم، مشکلات ترجمه، اصول و روش‌های ترجمه و موضوع سبک نمی‌توان برای آن دلیل موجه آورد. تئوری مناسب ترجمه که در سایه آن چنین بررسی نافذی می‌تواند انجام شود باید از میان تئوری‌های متفاوت ترجمه انتخاب شود. تحقیق باید یک مقایسه انتقادی از ترجمه‌های منتخب انگلیسی قرآن باشد. اول با قرآن در زبان عربی و بعد در میان خود ترجمه‌های انگلیسی انجام شود. به هر حال، هدف تحقیق نباید رسیدن به درجه بندی ترجمه‌های منتخب براساس مزایای مشاهده شده باشد بلکه بررسی شایستگی ترجمه باید در نظر گرفته شود، تا به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که «یک ترجمه خوب چیست؟» آندره لفویر بیان می‌کند که این سؤال «زمانی پاسخ داده می‌شود که فردی انواع زیادی ترجمه را مقایسه کند: یک روش توصیفی براستی یک نقطه شروع مناسب است، ولی باید با ارزیابی انتقادی تکمیل شود.»

در چنین مطالعه‌ای نیز از این روش باید استفاده کرد. برخی موضوعات خاص

که باید عنوان شوند عبارتند از :

۱. آیا ترجمه بر اساس اصول و روش های درست ترجمه انجام شده است؟
۲. آیا ترجمه زیرکانه، متعصبانه یا غرض آلود است؟
۳. آیا ترجمه معانی دستوری، اشاره ای و ضمنی متن منبع را منعکس می کند؟
۴. آیا ترجمه مقصود آموزنده، اخباری و امری، متن منبع را به طور مؤثر ارائه می کند؟
۵. آیا اگر اضافات، حذفیات و تناوب هایی وجود دارد اجباری است یا اختیاری، قابل توجیه است یا بدون توجیه.
۶. آیا اشتباهی وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت است از چه نوعی است؟
۷. آیا ترجمه موارد سبکی در سطح انتخاب لغت مناسب، نحو و مباحثه و علم بدیع را در نظر می گیرد.

خلاصه، تحقیق باید موارد زیر را پوشاند:

۱. توصیف، تحلیل و بررسی دقیق اصول، شیوه ها و روش های ترجمه قرآن؟
۲. تشخیص، توصیف و شرح مشکلات ترجمه قرآن به زبان انگلیسی؛
۳. تشخیص، توصیف و اقامه دلیل موجه برای تفاوت های ترجمه ها؛
۴. تشخیص، توصیف و اقامه دلیل موجه برای اشتباهات ترجمه؛
۵. بررسی دقیق نقش مترجم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

* دکتر ای. نعمت الله، که در دانشکده صدقه الله ایا، در تیر و نولوی تدریس می کند. اخیراً به خاطر اثر قابل ذکرش تحت عنوان «تحقیقی انتقادی از منتخب ترجمه های انگلیسی قرآن مقدس» به درجه دکتری نائل شده است.

۱. ایده ای که هنوز در کلاس های ترجمه عملی غالب است.

۲. برای دلایل بیشتر به: منکف، ۱۹۸۲، صفحات ۸۹-۲۱۶ مراجعه کنید.

۳. کیدوی ۴۷: ۱۹۹۴ را ببینید.